

## مهر شاه ظهماسب - عنوان ابوالمظفر ظهماسب

سادات عظام وقضاة اسلام وموالی ومشایخ وزاویه داران و عمال کلانتران و کتخدایان ولایتی بدانند که درین وقت بنا بر وفور استحقاق و استعداد سیادت ایابی وتقوی شعاری سیدسراج الدین ابوالقاسم موسوی و افادت و شریعت ایابی مولانا کمال الدین عبدالخالق المشهور بمولاحسان خطبت تولیت ورتق وفتق زاویه شیخ ابراهیم خواص را بدیشان مفوض و مرجوع گردانیدیم تا بواجبی بدان امر قیام و اقدام نمایند و در تعمیر و آبادانی رقبات زاویه مزبوره کوشیده کمال سعی واهتمام بجای آورند و منافع و محصولات آنرا بموجب شرع شریف بمصرف وجوب برسانند باید که دست تصدی مشارالیهما را در امر مذکور قوی و مطلق دارند و آنچه از محصولات سنه پیچی ٹیل هر کس تصرف نموده باشد تسلیم متولیان مومی الیهما نماید. و بعلت اخراجات خلاف حکم از علفه و قنلغات والاغ والام و طرح وساوری و پیشکش و رسوم داروغگی و عیدی و نوروزی و عوامل بیگار و مزد و جوهر کاه و هیمه و سایر تکالیف دیوانی بهراسم و رسم که باشد طلبی نکنند و چیزی حواله ندارند تا در آبادانی قنات مذکوره سعی موفور نموده جاری گردانند. این حواله برین جمله رفته هر ساله بسان و هر فصحی محدود بطلی.... (خواننده نمیشود)

مقرر است که چون تولیت زاویه مزبوره سابقاً بمشار الیهما متعلق بوده و درین و لامجددا استحقاق ایشان بظهور پیوسته مشار الیهما را متولی زاویه مذکوره دانسته بسند بقبض مستند... سیادت ما ب معالی نصایب امیر سلیمان حسب المسطور مقرر دانسته در آمد و دخل لاروسون رقبات زاویه مذکوره از مقرر (؟) است حاصل تیول نبوده الکاء مزبور مالوجهات ادعا و طلبی ننماید و بسبب مزرعه مواس (؟) مزاحم خواص نشوند عهد شناسد. سلخ شهر ربیع الاولی ۹۴۳، ختم.